

فلسفه در همه شرایط‌ها امکان ظهور ندارد

دکتررضا داوری اردکانی، پیام خود را با توضیح مفهوم «اکنون» آغاز کرد؛ مفهومی که به باور او اگرچه ساده به‌نظر می‌رسد، اما حامل بار تاریخی و معنایی سنگینی است. او گفت: «اکنون برای افراد و اشخاص، کار و بار و احوال و گفتار و کرداری است که به آن مشغول‌اند. این اکنون خیلی زود می‌گذرد. مردمان و اقوام و کشورها نیز اکنون دارند. اکنون ایران را در گفتار و کارهای حکومت و در مطالب روزنامه‌ها و نحوه گذران زندگی مردمان با مشکلات شغل و معاش و آب و برق و هوا و سیاست و پوشیدگی افق آینده می‌توان یافت.»

او سپس پرسید که «فلسفه در این اکنون چه جایگاهی دارد؟» و توضیح داد که فلسفه در معنای تفکر، نه به‌عنوان «بحث در اعراض ذاتی وجود»، تنها در زمان‌هایی امکان ظهور دارد که جامعه آمادگی و ظرفیت آن را داشته باشد. به تعبیر او «فلسفه به عنوان تفکر در هر اکنونی نمی‌تواند وجود داشته باشد.»

تکنیک نمی‌گذارد دموکراسی و عدالت احیا شوند

داوری از منظر تاریخی نشان داد که فلسفه معمولاً در پایان یک عصر بزرگ و هنگام افول نظم‌های پیشین سر برمی‌آورد. او با اشاره به یونان گفت: «فلسفه یونانی گزارش دوران پرشکوه تاریخ یونان و اعلام پایان یافتن آن است» سپس جایگاه فلسفه اسلامی را یادآور شد؛ جایی که متفکرانی چون فارابی کوشیدند فلسفه و دین را در یک افق مشترک جمع کنند. او تأکید کرد که این جمع شدن تصادفی نبود، بلکه حاصل تلاش مستمر فرهنگ اسلامی در تفسیر میراث یونانی بود.

این استاد فلسفه با اشاره به فلسفه جدید اروپا توضیح داد که فیلسوفان رنسانس و پس از آن، از بیگن تا کانت، جهان تازه‌ای را گزارش و تثبیت کردند: «نمی‌گویم فیلسوفان دوره جدید در طرح فلسفه خود قصد تغییر جهان داشته‌اند؛ اما تفکرشان گزارش و تأیید زمانی بود که در آن بشری دیگر به وجود آمده و مأموریتش پدیده آوردن جهانی دیگر بود.»

یکی از مهم‌ترین محورهای پیام داوری، تحلیل او از وضعیت امروز غرب بود. او معتقد است دوران فیلسوفان بزرگ

مردن اکنون به پایان رسیده و جهان غرب در «اکنونی پایانی» به‌سرمی‌برد: «اکنون اروپا پایان عصری است که اروپاییان در آن کاری بزرگ در پدید آوردن جهان جدید کردند. اکنون اروپا زمان قدرت تکنیک و به‌سربردن روشنفکران اروپا و آمریکا در حسرت زندگی قرن نوزدهم است.»

به باور او، تکنیک، جهان را در اختیار گرفته و دیگر اجازه نمی‌دهد دموکراسی، عدالت یا ارزش‌های انسانی در عمل احیا شوند: «دموکراسی متعلق به زمانی بود که تکنولوژی پدید می‌آمد. وقتی سلطان تکنیک‌زاده شد و به بلوغ رسید همه قدرت را به دست گرفت.» داوری معتقد است که اثر تجدید چنان فراگیر شده که هیچ سرزمینی بیرون از تقدیرآن نیست: «همه جهان به درجات در تقدیر جهان جدید سهم و شریک شده‌اند و جایی را نمی‌شناسیم که از اثر تجدید برکنار مانده باشد.»

آموزش فلسفه

برای تولد تفکر کافی نیست

بخش مهمی از پیام داوری به وضعیت ایران اختصاص داشت. او با نام بردن از چهره‌های بزرگ سنت فلسفی ایران از آشتیانی و مطهری تا جوادی آملی و دببانی، به این نکته اشاره کرد که «وجود آموزش فلسفه» به معنای «ظهور تفکر فلسفی» نیست؛ «پدید آمدن فلسفه نتیجه‌ضروری تعلیم فلسفه نیست، چنانکه همه فیلسوفان بزرگ نیز در دوران رونق تعلیم فلسفه ظهور نکرده‌اند. او توضیح داد که روزگار فعلی میل و رغبت چندانی به تفکر ندارد و حتی «به خرد و دانایی احساس نیاز نمی‌شود». داوری با صراحت گفت: «دوران بی‌نیازی از خرد، دوران عجیبی است، هرچه باشد مجال مناسبی برای روکردن به فلسفه نیست.»

داوری در ادامه بحث، علت نازایی تفکر را نبود پرسشگری دانست. از نظر او فلسفه وقتی متولد می‌شود که «اهل پرسش» ظاهر شوند: «فلسفه در زمانی به وجود می‌آید که اهل پرسش وجود داشته باشند. در جایی که طلب و پرسش نیست، وجود فلسفه هم‌وجهی ندارد.» او سپس اشاره کرد جامعه‌ای که مشکلات فراوان دارد اما راه‌حل نمی‌یابد «آینده مغفول است»، انگیزه‌ای برای طلب دانایی ندارد: «وقتی هیچ مشکلی حل نمی‌شود و هر روز مشکلات



●

●

داوری:

فلسفه زمانی به وجود می‌آید که اهل پرسش وجود داشته باشند.

در جایی که طلب و پرسش نیست، وجود فلسفه هم‌وجهی ندارد

تازه پدید می‌آید، طلب دانایی چه وجهی می‌تواند داشته باشد؟»

فلسفه می‌تواند آینده را از فروپستگی نجات دهد

داوری در بخش دیگری از پیام خود، تفاوت فلسفه و حکمت را یادآور شد. او بر این باور است که ما در تاریخ صاحب میراث درخشان حکمت بوده‌ایم، اما امروز فلسفه را به پشتوانه‌ای ایدئولوژیک تبدیل کرده‌ایم: «با این تلقی، فلسفه به صورت بسته‌ای از اطلاعات و

دستورالعمل‌ها درمی‌آید که باید علم و سیاست و اقتصاد را به سمت و سوی خاص هدایت کند.» نتیجه این وضعیت، به تعبیر او، «زمان عقیم» است؛ «زمان عقیم زمانی است که به فلسفه «نه» می‌گوید و نسبتش با فلسفه نسبت انکار و نفی و گاهی بیزاری است.» در چنین شرایطی خرد عملی نیز جایگاهی نمی‌یابد و جامعه به سوی «اختلاف و نزاع و فساد» کشیده می‌شود. داوری در پایان پیام خود، بار دیگر نقش فلسفه به عنوان تفکر را یادآور شد:

تفکری که می‌تواند به زندگی جان بدهد و وفق آینده را از فروپستگی نجات دهد. او با لحنی شخصی و تأمل برانگیز گفت: «من در زمانی زیستم و زندگی را با فلسفه به سربردم که این موسم کمتر طالب و خریدار داشت؛ با این همه از انتخاب خود پشیمان نیستم.» او آرزوی خود را چنین بیان کرد: «کاش می‌توانستیم فرهنگ بشر منزلی داشته باشد که هیچ علم دیگری ندارد.» او خردورزی را بخشی از سرشت انسان برشمرد و افزود: «انسان را موجودی می‌نامیم که بدون



رضا داوری اردکانی و غلامرضا اعوانی

از «وضعیت فلسفه در جهان امروز» گفتند

غربت فلسفه

علت نازایی تفکر، نبود پرسشگری است

تحلیل

اعظم فردوست

گروه اندیشه

نشست «خردورزی: رسالت جاودان فلسفه در حیات بشری» سه شنبه، ۴ آذرماه به مناسبت روز جهانی فلسفه در محل مرکز نشر دانشگاهی برگزار شد. دکتر رضا داوری اردکانی و دکتر غلامرضا اعوانی پیام‌هایی جداگانه به این هم‌اندیشی فرستادند. هر دو آنان در پیام‌شان از «غربت فلسفه» گفتند و چرایی آن را تبیین کردند. دکتر داوری وضعیت کنونی را «زمانه‌ای عقیم» خواند که در سیطره تکنیک، مجالی برای طلب خرد باقی نگذاشته است و دکتر اعوانی هم هشدار داد که اگر فلسفه و حکمت تضعیف شود، جای آن را «غرب‌زدگی» خواهد گرفت.

انسان بدون حکمت انسانیتش کامل نمی‌شود
دکتر اعوانی در پیام خود با تیریک این روز به همه دوستداران فلسفه و فرهنگ ایرانی و اسلامی، به تبیین جایگاه فلسفه در سازمان یونسکو پرداخت و گفت: «یونسکو برای فلسفه جایگاه ویژه‌ای قائل است، چون فلسفه در فرهنگ بشر منزلی دارد که هیچ علم دیگری ندارد.» او خردورزی را بخشی از سرشت انسان برشمرد و افزود: «انسان را موجودی می‌نامیم که بدون

حکمت، انسانیتش کامل نمی‌شود. فلسفه سرشت پرسشگری انسان را معنا می‌کند.»

او با اشاره به پیشینه درخشان ایران در میزبانی از روز جهانی فلسفه، از بی‌توجهی به این موقعیت ممتاز انتقاد کرد. وی تصریح کرد: «ایران پنج سال متوالی میزبان بزرگ‌ترین روز جهانی فلسفه بود؛ با حضور بیش از ۱۲۰ میهمان خارجی و جمع کثیری از اندیشمندان داخلی، در ۱۷ بخش تخصصی که بی‌سابقه بود و تکرارشدنی نیست.» اعوانی با تأکید بر اینکه «ایران نه‌تنها در جهان اسلام بلکه در کل جهان در فلسفه بی‌تظایر است»، از عدم توجه شایسته به این موقعیت در داخل کشور اظهار تأسف کرد.



●

●

اعوانی: ایران با داشتن میراث زنده حکمت، نه تنها می‌تواند نقش آفرینی جهانی داشته باشد، بلکه غفلت از این نقش، به قیمت دادن هویت فرهنگی‌اش تمام خواهد شد

در معرفی فلسفه اسلامی کوتاهی کرده‌ایم
وی با بیان اینکه «در هیچ جای دنیا دغدغه تدریس حکمت وجود نداشته است جز ایران»، تصریح کرد: «ضعف فلسفه، ضعف خود فرهنگ ایرانی است؛ زیرا روح فرهنگ ایران حکمتی است که اگر پرداخته شود، جای آن غرب‌زدگی می‌شیند.» به گفته اعوانی، اگر این روح تضعیف شود، نه‌تنها فلسفه بلکه خود ایران آسیب می‌بیند. اعوانی در بخش دیگری از پیام خود به تمایز ذاتی فلسفه با علوم دیگر پرداخت و توضیح داد: «هر علم پرسش می‌کند، اما پرسش‌های آن در محدوده موضوع خودش است. فلسفه به پرسش‌های اولین می‌پردازد؛ پرسش‌هایی که هیچ علمی متصدی آنها نیست.» وی پرسش از چیستی انسان، هدف هستی، حقیقت اخلاق و ماهیت وجود را از جمله این پرسش‌های بنیادین برشمرد. این استاد فلسفه با مقایسه اقدامات بین‌المللی و داخلی در معرفی فلسفه اسلامی، به شکاف موجود اشاره کرد: «در اروپا کتاب شفا و آثار ابن سینا بارها تصحیح انتقادی شده و پژوهشگری، برای شرح شفا ۱۰ میلیون یورو دریافت کرده‌است. در حالی که ما با چنین میراث عظمی، اقدام شایسته‌ای برای معرفی آن نکرده‌ایم.» اعوانی معتقد است ایران با داشتن میراث زنده حکمت، نه تنها می‌تواند نقش آفرینی جهانی داشته باشد، بلکه غفلت از این نقش، به قیمت از دست دادن هویت فرهنگی‌اش تمام خواهد شد.

فلسفه

یوسف مقدم

گروه اندیشه

به مناسبت روز جهانی فلسفه، «خانه حکمت ایرانیان در اتریش» به همت رایزنی فرهنگی ایران در وین و با همکاری دانشگاه تبریز، نشستی بین‌المللی با عنوان «آینده جهان و مسائل نوین فلسفی» و با حضور برجسته‌ترین فلاسفه معاصر جهان برگزار کرد. در این همایش مجازی، اندیشمندانی از اروپا، آمریکا و آسیا درباره «آینده فلسفه و چالش‌های انسان در عصر هوش مصنوعی» سخن گفتند. آنان تأکید کردند که جهان در میانه موج‌های بی‌سابقه فناوری، رسانه‌ای و سیاسی قرار گرفته است و تنها با «حیای تفکر فلسفی» است که می‌توان مانع تبدیل انسان به ابزاری در خدمت قدرت و فناوری شد.

فلسفه: سیردفاعی ما برای حفظ انسانیت است

اسلاوی ژیرک، فیلسوف اسلونیایی، معتقد است انسان برای عبور از تحولات پرشتاب محیط زیستی، رسانه‌ای و فناورانه نیازمند بازگشت به «پرسش سقراطی» است: «انسان امروز برای بقا پسندت به فلسفه نیاز دارد.» او با ارجاع به نظریه آلن بدیو گفت: «رسالت فلسفه، رهایی انسان از نظم مسلط است؛ فلسفه می‌تواند برایمان نمایان کند که چطور سازوکارهایی در ظاهر به ما آزادی می‌دهند اما در اصل ما را در کنترل نامحسوس محصور کرده‌اند. فلسفه می‌تواند از چنین انقبادهایی پرده بردارد. چون مخرب‌ترین سرنوشت برای انسان این است که در ظاهر احساس کند آزادی دارد اما در اصل تحت سلطه نامحسوس سازوکارهای قدرت باشد.»

او با انتقاد از تبدیل شدن مفاهیم اخلاقی به ابزار قدرت افزود: «بسیاری از مفاهیم همچون آزادی، عدالت، حقوق بشر که امروزه کارکرد اصلی‌شان را از دست داده‌اند و به کلیشه‌هایی بدون مصداق بدل شده‌اند.» ژیرک نمونه‌ای روشن از این وضعیت را در بحران غزه دانست: «حامیان اسرائیل، چشم خود را بر شواهد آشکار جنایت و رنج انسانی در غزه بسته‌اند. این رویکرد، نمونه‌ای نگران‌کننده از تبدیل عدالت به منافع قدرتمند است. اما پرورش تفکر فلسفی می‌تواند انسان‌ها را متوجه دستکاری حقیقت توسط قدرت کند. ما برای حفظ انسانیت به فلسفه نیاز داریم. بدون آن عدالت به سودجویی قدرت‌ها تقلیل می‌یابد و چیزی از انسانیت باقی نمی‌ماند.»

ژیرک همچنین نقش زبان را در اسارت اندیشه نقد کرد و گفت: «فلسفه اصیل

روز جهانی فلسفه با حضور فلاسفه جهان در «خانه حکمت ایرانیان در وین» برگزار شد

فلسفه، گرفتار در انزوای آکادمیک



متغیری تعیین‌کننده در سرنوشت بشر شده است و اگر با همین شیوه از آن استفاده شود، می‌تواند قدرت تفکر و خلاقیت انسان را تحلیل برد. بنابراین حذف گسترده انسان از عرصه اشتغال تنها یک مشکل اقتصادی بزرگ نیست، بلکه این اتفاق، می‌تواند معنای زندگی انسان را تحت الشعاع قرار دهد. با هوش مصنوعی، الگوریتم‌ها بر فرهنگ سیطره پیدای می‌کنند و فرهنگ خلقی به محاق می‌رود و جای آن را تجاری‌سازی و تولید انبوه الگوریتمی می‌گیرد. درحالی که با تفکر فلسفی می‌توان جلوی این آسیب‌ها را گرفت.»

وظیفه فیلسوفان، زنده نگه داشتن امید در جامعه است

موریس همبکتون، فیلسوف آمریکایی، با اشاره به تازه‌ترین داده‌های پژوهشی گفت: «۷۲ درصد مردم جهان در رژیم‌های اقتدارگرا

زندگی می‌کنند و حتی ایالات متحده، که زمانی الگوی دموکراسی بود، در آستانه تبدیل شدن به شبه‌خودکامگی است.» او معتقد است تنها راه‌حل این وضعیت، دموکراسی مراقبت‌محور است؛ نظامی که در آن مراقبت نه یک سیاست رفاهی حاشیه‌ای، بلکه علم، عقلانیت و روش‌های تجربی، هر یک ابزارهایی ارزشمند در تحلیل جهان ارائه می‌دهند.» او معتقد است هیچ‌کس نمی‌تواند نسخه کامل حقیقت را ارائه دهد و تنها از طریق گفت‌وگوی فلسفی میان اندیشمندان می‌توان به آینده‌ای انسانی و معنادار دست یافت.

فلسفه، به ما شجاعت زندگی می‌دهد

فرانک رودا، فیلسوف اسکاتلندی، فلسفه را راهی برای حفظ معنا در جهان پیچیده امروز معرفی کرد.



غلامی:

فلسفه

در انزوای

آکادمیک

گرفتار مانده

و با غرق شدن

در صنعت

مقاله‌نویسی،

از جامعه و

مسائل واقعی

انسان فاصله

گرفته است.

برای ورود

دوباره فلسفه

به عرصه

عمومی،

فیلسوفان به

آزادی بیان

نیاز دارند

پرورش فلسفی است. بنابراین نباید فلسفه را به جست‌وجوی واحدهای تحلیلی بی‌طرف فروگاست. فلسفه با پرورش عقلانیت انتقادی و گفت‌وگوی چندصدایی می‌تواند به هدایت علم و فهم جهان کمک کند.

حفاظت از کرامت انسانی با تدوین «حقوق دیجیتال» میسر می‌شود

دونالد گیلینز، فیلسوف علم انگلیسی، به پهنادهای اجتماعی و اخلاقی هوش مصنوعی در دنیای امروز اشاره کرد: «در جمله مهم‌ترین آسیب‌ها، جمع‌آوری و استفاده تجاری از داده‌های شخصی افراد در محیط دیجیتال است. بنابراین بشر امروز به حقوق دیجیتال و تدوین استانداردهای اخلاقی نیاز دارد تا از گسترش شگفت‌آور تکنولوژی و هوش مصنوعی کمتر آسیب ببیند.»

فلسفه، مانع تبدیل انسان به ابزار می‌شود

رابرت هانا، فیلسوف کانادایی، با اشاره به نابرابری بنیادین میان تفکر انسانی و سامانه‌های دیجیتال گفت: «هیچ سامانه دیجیتالی و هیچ فناوری قادر به برابری با تعقل انسان نیست. بنابراین فلسفه باید از کرامت انسانی در عصر فناوری در مقابل سامانه‌های دیجیتال حفاظت کند و با اطلاع‌رسانی و هدایت جامعه، از توسعه فناوری‌هایی که انسان‌ها را به ابزار وابسته تبدیل می‌کنند، جلوگیری کند.»

در آستانه یک تغییر پارادایمی هستیم

توماس باور، فیلسوف فرهنگ اتریشی، درباره دیجیتال شدن انسان امروز گفت: «دیجیتال شدن فقط یک جهش فنی نیست، بلکه بازسازی فرهنگی کامل و اقعیت است؛ فرآیندی که در آن جامعه نه فقط ابزارآایش را عوض می‌کند، بلکه شیوه فهم خود از زمان، هویت، اعتماد و حقیقت را از نومی‌سازد.» او با اشاره به دیدگاه دیرک بائوکر، جامعه‌شناس اتریشی، افزود: «ما امروز در آستانه یک تغییر پارادایمی قرار داریم. رسانه دیگر فقط کانالی برای انتقال پیام نیست؛ رسانه زبان جامعه شده است. همان‌طور که زبان صرفاً ابزار سخن گفتن نیست و خود فکر را شکل می‌دهد، رسانه دیجیتال نیز دیگر فقط وسیله نیست، بلکه شیوه بودن ما را در جهان تعیین می‌کند.»